

عیب کار اینجاست!

در شماره دوم «سالنامه معارف جعفری» مقاله‌ای تحت عنوان زن دیروز و زن امروز بقلم یکی از دانشمندان بزرگ حوزه علمیه قم نوشته شد که زنان ایرانی نشست و برخاست با ایرانیها را چندان خوش ندارند و آنها را آدم نمیشمارند و دوست میدارد پیوسته با خارجیها سروکار داشته باشد، افراد ایده آل نزاد او، عبار تند از حینالو لو، بریثیت باردو گربه وحشی فرانسه، الیزابت تایلور، و مانند آنها، وی رفتار آنان را برای خویش بر مشق میداند. متأسفانه این مرض بتمام طبقات تحصیل کرده و فرنگ رفته‌ها اثر نموده و افکار و روحیه آنها را یکباره عقائد و فرهنگ خشک اروپائی مهار و افسار کرده و میتوان گفت در طبقه قشرین! بیرونشان آورده است.

امروز در مطب دندان پزشکی، با یکی از مهندسين ایرانی که میگفتشش زبان میدانم و ترجمه کتاب خارجی در دست مواجسه شدم، پس از سلام علیک باد کتر، نگاهی بروی میز کرد و کتابی را دید، آقای مهندس کتاب را برداشته نگاهی کرد و مجدد گذاشت. د کتر سؤال کرد با نوشته‌های فلان آقا که این کتاب یکی از نوشته‌های اوست علاقه دارید؟

و میخوانید؟

مهندس: هیچوقت نخواهنده‌ام و نخواهم خواند و نام چند نفر از نویسندگان نامی ایران که آثار زیادی دارند بردو گفت اینها از بزرگترین نویسندگان ایرانی هستند. ولی هیچوقت از جنبهٔ تخیلی مطالبشان تجاوز نمی‌کند و فقط علاقه و ایده من مطالعه نوشته‌های خارجی است اینها از آسمان نازل شده، اینها سرچشمه الهامند.

نویسندگان فرنگی از دنیای دیگر خبر دارند و بالاخره تمام آثار قلمیشان رئالیسمی است و از واقعیت هرگز بیرون نمی‌رود!!

گفتم آقای مهندس! اجازه میدهید از شما سؤال کنم؟ با سختی پاسخ مثبت داد، گفتم بفرمایش خودتان کتابهای ایرانی را هرگز نخواهنده‌اید پس چگونه تمام نویسندگان ایرانی را بتخیل نویسی نسبت می‌دهید، قضاوت و حکم مینمائید و اینهمه کتابهایی را که ایرانی نوشته، عالیترین آثار در کلیه مراحل اخلاقی، دینی، اجتماعی، انتقادی، سیاسی، فلسفه رئالیسم و، و، و، نوشته‌اند و در دسترس خوانندگان و اصلاح‌طلبان و روشن‌فکران و بالاخره تمام مردم قرار داده‌اند شما نادیده گرفته‌و نویسنده‌گان ایرانی را بابت انتقاد میگیرید! مگر شما نمیدانید امروز در بیشتر کتابخانه‌های کشورهای غرب بسیاری از آثار قلمی ایرانی نمودار است؟ مگر شما خبر ندارید زمانی که در کشورهای اروپا نویسندگانی که خواندن و نوشتن را قادر باشند از انگشتان دست شما تجاوز نمی‌کرد در همان زمان ایران مه‌دانش و فرهنگ بود؟ نویسندگان بزرگ، توانائی که در تاریخ، فلسفه، طب، هیئت، اخلاق، علم الاجتماع صدها کتاب را از مغان جهان بشریت می‌نمودند و وجود داشته و بسیاری از کشورها از انوار آثار ایرانی بهره‌مند میگردید. من نمیگویم

آقای مهندس! قرون وسطائی اروپا را با ایرانی مقایسه کنید و قضاوت نمایید شما اکنون هم که این اندازه بدبین هستید، از کتابهای ایرانی گریزانید و اینقدر باروپا و فرنگ و فرنگ رفته‌ها چشم دوخته‌اید و فقط اروپائی را انسان با ارزش و خلاق سخن و آفریننده مطالب اجتماعی میدانید و در لباخته شده‌اید! که حتی در میان کشور و میهن و مردم و اجتماع خودتان هم حاضر نمی‌شوید بآنها و بگفته‌ها و آثارشان بنگرید و بخوانید و معاشرتی داشته باشید همین زمان و فعلا هم میتوانید با سنجش کتب موافق و مخالف خودتان انصاف دهید که با عجله قضاوت کرده‌اید شما که طرفدار رئالیسم هستید آیا تا کنون کتاب علمی «روش رئالیسم» را که پایه‌های فن نویسنده‌گی و فلسفه و اخلاق و انصاف را تحکیم میکند خوانده‌اید؟

تابدانید اساس و مدرک ایرانی اقتضاء میکند رئالیسم باشد و چنین هم هست. این ایرانی است که در اسلام شاید در مقام نویسنده‌گی اول باشد و این افتخار ایرانی را بس که در میان اغلب کشورها کسب نموده. آقای مهندس! شما فرمودید ایرانی از جنبه تخیلی خارج نمیشود مگر اینکه جناب عالی تمام علوم و واقعیات را تصویری فرض کنید و آن تصورات و خیال-بافیه‌ها و رمانیکهای اروپائی را علم و واقعیات بدانید و بنظر شما جنبه رئالیسم بخود بگیرد.

کلیه مراد

بسیار جای تأسف است که بقول خودتان شش زبان را بدانید اما از آثار قلمی مردم کشور خود، که در عقائد و اخلاق، علم الاجتماع و در کلیه مراحل دیگری که در زندگی بدان محتاجید کتابها نوشته‌اند، گریزان و فراری باشید و افتخار کنید که من هر گز از کتابهای ایرانی نمیخوانم!

آقای مهندس! مثل اینکه از اینهمه باطیل و مقالات خانمانسوز و

محرک شهوت و سرقت و آموزنده درس جنایت و خیانت که بصورت کتابها و مقالات بیرون آمده و به خورد این مردم بیچاره داده و میدهند خبری ندارند!

شما نمیخواهید قبول کنید چه اندازه این نوشته‌ها نسل جوان را فساد کشیده است؟ چه اندازه نسل جوان را در پر تگاه سقوط قرار داده است؟ چرا طبقه تحصیل کرده مملکت باید اغلبشان مانند جناب عالی فکر کنند و در نتیجه خود را میان میهن و مردم خود غریب بدانند تا آنجا که بکتابهای

کشورشان رغبت مطالعه نداشته باشند. و این **آب و خاک مردم را قلیل** **گمانند شیعه** زندگی و معاشرت ندانند.

از تمام مواهب همین آب و خاک بهره مند بشوید، از زحمت و کوشش و فعالیت همین مردم استفاده کنید و از معادن و مالیاتهای گزافی که بطور مستقیم و غیر مستقیم گرفته میشود شما زندگی خود را تأمین و بقیه را ببا نکهای خارجی سپرده و بعد این اندازه انتقاد از آثار فرهنگ و عقائد ایرانی بنمائید؟ آقای مهندس! آیا میشود و عقلانی است کسیکه اطاق پذیرائی راهنوز تعمیر نکرده اول برود با شین خانه بپردازد؟

آیا صحیح است شما که هنوز در میان اجتماعی که هزاران آثار علمی و فرهنگی دارد بررسی نموده و مطالعه‌ای نداشته باشید.

کتابی مانند کتاب «خبر مگس» و امثال آن را که از شاهکارهای نویسندگان انگلیسی است بخوانید ولی کتاب «آئینه» محمد حجازی و یا نهج البلاغه جواد فاضل که اعجاز در هنر نویسندگی کرده و انسان را در عالم دیگری سیر میدهد نخوانید؟ شما بدانید اگر آثار و هنرهای ملی ننگریم و مبنا و اساس اخلاقی رازنده نگر دانیم (مانند آنکه مردم غرب

چنین کردند) هرگز نمیتوانیم در راه و رسم زندگی قدمی جلو تر بگذاریم و سرود جهشهای انسانی را بشنویم. آری جناب آقای مهندس. عیب کار اینجاست که بجز تقلید و متابعت افکار دیگران (بدون آنکه قبلاً بسنجیم و مطالعه و قضاوت نمائیم) وسیله ای نداریم و نمیتوانیم عملی انجام دهیم و خود را برهانیم و بچشمه سارهای معرفت و کمال و اخلاق برسانیم. در اینجا دیگر نوبت من شد و روی صندلی معاملی معالجه دندانپزشک قرار گرفتم و مهندس هم که آثار تأمل و تفکر و تنبه در او هویدا بود با خدا حافظی از اطاق خارج شد.



پیشگام علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آب نوشیدن

از نوشیدن آب زیاد در موقع صرف غذا اجتناب کنید زیرا افراد در شرب آب در موقع صرف غذا و یا بلافاصله بعد از آن، تری می‌دهد را رقیق و معده را سنگین و عمل هضم را مختل می‌کند. آب باید لا اقل یک ساعت پس از صرف غذا نوشیده شود و آنهم با اندازه مناسب (رازنند رستی)